

# تاریخ دیرپا و فرهنگ ماندگار بامیان

سرمقاله

## عظمت گذشته بامیان باید احیا شود

حفیظ الله زکی

دیروز بامیان به صورت رسمی پایتخت فرهنگی سارک شناخته شد. بامیان تمدن های بزرگ بودایی ها و کوشانی ها را پشت سر گذاشته و آثار ماندگار تاریخی از آن دوران ها به یادگار گذاشته است.

بامیان محل عبور بازرگانان و سیاحان در طول سالهای دراز بوده و محل تلاقی فرهنگ های مختلف از هندوستان تا آسیای مرکزی بود. بامیان در دوران های بعد به عنوان مرکز آیین بودایی در آمد و در بیشتر از پنجاه عبادتگاه ها که در این شهر وجود داشت، چندین هزار بودایی مشغول عبادت بودند.

بامیان در طول تاریخ پر فراز و نشیبی را در خود دیده است. زمانی در اوج شکوفایی و عظمت، پذیرای هزاران نفر از گردشگران، مسافران، تاجران و زاپرانی بودند که از خاور دور تا شرق میانه به این مکان می آمدند. بامیان فضا و زمینه همزیستی مسالمت میان فرهنگ ها و تمدن ها را فراهم ساخته بود.

اما بامیان به همان سطحی از عظمت و شکوه، ستم ها و ویرانی های بیشماری را نیز در طول تاریخ تجربه کرده است. بارها مورد تهاجم سپاه اجانب و بیگانگان واقع شده و چندین بار نقطه های مهم این شهر به ویرانه تبدیل شد. بسیاری از عبادت گاهها، مجسمه ها و آثار باستانی این شهر نابود شد و این شهر آرام و دلپذیر که سخاوتمندانه از مهمانان پذیرایی می کرد، به شهر وحشت، شهر خون و شهر ویرانه بدل شد و آن شان و شوکت تاریخی اش را از دست داد. اما جاذبه های باقیمانده بامیان بازم توجه بسیاری از شخصیت های فرهنگی و تاریخ نگاران منطقه و جهان را به خود جلب نمود و آنان در کتاب های شان از این جذابیت ها یاد آوری کردند.

مجسمه های ۲۸ متری و ۵۲ متری بامیان که قدمت شان به سال های ۵۰۷ و ۵۵۱ بعد از میلاد می رسد، با نماهای خیره کننده و تزیینات شگفت انگیزش، تحسین هر انسان متعده و با فرهنگ را برمی انگیزد.

حاکمیت سبیا و طالمانه طالبان در افغانستان برای بار چندم بامیان را در معرض آسیب جدی قرار داد. در آن زمان طالبان با راه اندازی قتل های سیستماتیک می خواست از این مردم برای حفاظت و پاسداری از دستاوردهای بزرگ بشری انتقام بگیرند. طالبان علاوه بر آن مجسمه بامیان را به عنوان منظر شرک و بت پرستی منفرج کردند و به عمر هزار و پانصد ساله آن پایان دادند. ولی این تلاش های تابخردانه و وحشیانه طالبان نه تنها نتوانست این شهر باشکوه را از عظمت ببندازد و توجه جهانیان را از بامیان منحرف سازند؛ که بامیان پس از نابودی بودا بیشتر در معرض توجه جهانیان قرار گرفته است.

همین توجه سبب شد که در سال ۲۰۰۳ آثار باستانی و آبدات فرهنگی بامیان در لیست ساحه میراث فرهنگی جهانی یونسکو قرار گرفت و دره بامیان در فهرست میراث های فرهنگی جهان شامل شد تا در آینده از نابودی و آسیب های احتمالی دور نگه داشته شود.

سال گذشته سازمان همکاری های منطقه ای جنوب آسیا (سارک) نیز معرفی بامیان را به عنوان پایتخت فرهنگی سارک مناسب دانست و قرار شد مراسم رسمی اعلام بامیان به حیث پایتخت فرهنگی سارک در اول امسال برگزار شود؛ اما به دلیل آماده نبودن دولت افغانستان این مراسم در پانزدهم جوزا یعنی دیروز در بامیان برگزار گردید و بامیان رسماً پایتخت فرهنگی سارک معرفی شد. این دستاوردها برای افغانستان بسیار حایز اهمیت می باشد. دولت افغانستان باید پیش از کشورهای دیگر در رابطه با حفظ آبدات تاریخی و فرهنگی و ساحات توریستی بامیان تلاش نماید.

بامیان می تواند سالانه هزاران نفر از گردشگران خارجی را به سوی خود بکشاند و میلیون ها دالر را از این بابت به خزانه دولت سرازیر نماید. بامیان می تواند در شرایطی که مردم از بیکاری به شدت رنج می برند، برای هزاران نفر شغل ایجاد کند. اما متأسفانه دیده می شود که دولتسردان ما به هر دلیلی زیاد اعلاقمند به پیشرفت بامیان و احیای عظمت و شکوه گذشته بامیان نیستند. مراسم دیروز و سیاست های سالهای گذشته حکومت به خوبی این امر را آشکار می سازد.

بامیان با مکان نور درخشان، در تقاطع چندین تمدن واقع گردیده است. موقعیت آن با واقع شدن در نزدیکی یکی از معابر سلسله جبال هندوکش به معنای آنست که تاریخ این سرزمین به شدت زیر تأثیر بازرگانان، زاپرین، و کاشفین قرار داشته است.

در نخستین قرن های هزاره اول بعد از میلاد، بامیان بخشی از امپراتوری بودایی کوشانی ها بحسب میرفت، که از پایگاه اصلی اش در افغانستان امروزی، قسمت های زیادی از هندوستان و آسیای مرکزی را با هم متحد ساخته بود. انتشار دین بودایی از خواستگاه اصلی آن هندوستان به طرف شمال، یعنی آسیای مرکزی و سپس به صوب شرق دور، در امتداد مسیرهای که تاجران و عساکر امپراتوری کوشانی از آن استفاده مینمودند، آغاز گردید.

قدیمی ترین استاده مربوط به ولایت بامیان به قرن چهارم بازمیگردد، اما اولین توضیحات مفصل راجع به این دره توسط یک زاپر چینیایی، به نام هیوان تسانگ، که در حدود ۶۳۰ بعد از میلاد از این منطقه بعنظور بازدید از مکان های مقدس بودایی در هندوستان عبور نموده بود، مکتوب گردیده است. پژوهشات اخیر نشان میدهد که تاریخ بعضی از نقاشی های دیواری در بامیان میتواند به اوایل قرن ۵ برگردد.

همچنان هیوان تسانگ نخستین شخصی بود که راجع به مجسمه های بزرگ بودا، که در کوه های سنگی مشرف به باستان تراشیده شده بود، اشاره نموده است. (آزمایش راه‌یوگابن توسط یونسکو تاریخ مجسمه کوچکتر، ۲۸ متری را تقریباً ۵۰۷ بعد از میلاد، و مجسمه بزرگتر بودا- ۵۲ متری را تقریباً ۵۵۱ بعد از میلاد نشان میدهد). نوشته هسان تسانگ که نماندهای طلایی بودا به هر طرف تالار داشته و درخشنده می تزیینات گرانبهای آن چشم را خیره میساخت، نشان میدهد که زمانی این مجسمه ها بصورت تابناک و روشن آذین کرده شده بودند. طبق روایات، در آن هنگام تعداد راهبان بودایی که مشغول عبادت در پنجاه معبد یا بیشتر از آن بودند، به چندین هزار تن میرسید. این دوره، بااهمیت بزرگ دوران بامیان، منحیت مرکز بودایی بشمار

به افغانستان در سال های ۱۸۷۸-۱۸۸۰، سرحدات این کشور به استثنای سیاحی بسیار متهور، عمدتاً به روی همه خارجی ها تا اواسط قرن بیستم بسته ماند. سپس در سالهای ۱۹۷۰ کاشفین زیادی از ابقشار مختلف، موقعیکه اروپا و امریکا جوان رد پای هیپی را از استانبول تا کتندو کشف نمودند، به این منطقه آمدند. بامیان با داشتن مجسمه های بودا و دریاچه های پندسی امیر به یکی از توقفگاه های مطلوب آن ها مبدل گشت.

مجسمه های بزرگ بامیان سرانجام بعد از ۱۵۰۰ سال حاکمیت بر دره بامیان در سال ۲۰۰۱ تخریب گردیدند. رژیم آنزمان طالبان در کابل تصمیم به نابودی این پیکره ها گرفت، چرا که آنها را سمبول نفوذ غیراسلامی بر افغانستان میخواندند.

وقتیکه شلیک مرمی های تانک بالای این مجسمه ها تأثیر نگذاشت، آنها پلان گرفتند تا این پیکره های عظیم را انفجار داده و نابود سازند. دولت افغانستان و سازمان یونسکو در تلاش کسب امکانات بازساخت مجسمه های بودا در بامیان میباشند.

ساحه میراث فرهنگی جهانی یونسکو در سال ۲۰۰۳ آثار باستانی و آبدات فرهنگی بامیان در لیست ساحه میراث فرهنگی جهانی یونسکو شامل ساخته شد. این امر بخاطر ارزش فرهنگی آنها منحیت شاهکار بزرگی از مکتب گندهارایی هنر بودیزم که طی قرون وسطی هزاره اول بعد از میلاد ساخته شده بودند، صورت گرفت.

آثار تاریخی که آمیزه یی از مولفه های هنر هندی، یونانی، رومی و ساسانی را باخود دارد. دره بامیان گواه آثاری از یک دوره مهم تاریخ بودیزم، و سنت فرهنگی ناپدید شده در آسیای مرکزی میباشد. این دره همچنان شاهد محلات باستانی و مغروبه ی از ساختمان های مستحکم و مهم دوره اسلامی است. درعین زمان، دره بامیان در فهرست میراث های فرهنگی جهان که در معرض خطرقرار دارند، نهاده شده است؛ زیرا این محلات در یک وضعیت شکننده قرار داشته و از فراموشکاری، مناقشات نظامی و تخریبهای عمدی رنج میبرد. با درخواست دولت افغانستان، یونسکو تلاش

میرفت. در اوایل قرن هژدهم، یک زاپر کوریایی بنام هوی چساو، راجع به اندازه جمعیت بودایی در بامیان نگاشته است. اما با احیای هندوییزم در هندوستان، و گسترش دین جدیدی بنام اسلام از جانب غرب، کیش بودایی در سرزمین اصلی اش، هندوستان رو به زوال نهاد. در جریان قرن هشتم و نهم بامیان به تصرف خلیفه عباسی بغداد درآمد، و اسلام به تدریج بر منطقه استیلا یافت. بسیاری از مجسمه ها و معابدی که طی قرن ها در منطقه وجود داشتند، توسط سفاریان ایران که اواخر قرن ۹ و اوایل قرن ۱۰ حکومت داشتند، تخریب و نابود گردید.

آیین بودیزم حتی بعد از آنکه در هندوستان کم رنگ گردید، در بامیان وجود داشت؛ اما تدریجاً در این منطقه نیز از بین رفت. هجوم اعراب و حاکمان بعدی اسلام، مانند سلطان محمود غزنوی، آهسته آهسته افغانستان را به دین اسلام مشرف ساخت. بامیان به یک شهر پوروق اسلامی مبدل گشت. شگوفایی این شهر، اما ناگهان بوسله هجوم چنگیزخان در سال ۱۲۲۱ بعد از میلاد به یکباره از بین رفت. دژ شهر که آنزمان برتپه استیلا داشت، امروزه به نام شهر غقله مشهور است. مغول ها قله بالای تپه را غارت کرده و جمعیت آنرا قتل عام نمودند. به همین خاطر اسم «آه و فریاد» بر این تپه نهاده شده است.

بعد از قرن ۱۹ بود که دره بامیان یک بار دیگر مورد توجه جهانگردان خارجی قرار گرفت. سیاحین اروپایی، بشمول: کاشفین انگلیسی، الکسندر برنایس، و چارلز مسون، که راجع به مجسمه های غول پیکر بودا شرح داده اند، سپس بازدید از این منطقه را آغاز نمودند. ارتش بریتانیا نخستین بار طی اشغال اول افغانستان در سال های ۱۸۴۹ الی ۱۸۴۲ از منطقه بازدید بعمل آورد.

گروگان های انگلیسی که در زمان عقب نشینی آنها به شهر جلال آباد توسط نیروهای افغان دستگیر گردیده بود، در سال ۱۸۴۲ با بامیان آورده شد. در این شهر آنها بخاطر آزادی خویش مذاکره نمودند. سپس به کابل بازگشت نموده و با هیأت کفتری که از هندوستان آمده بود، ملحق گردیدند. صرفنظر از یک دوره کوتاه تجاوز بریتانیا



های جهانی را بخاطر حفاظت و نگهداری آبدات فرهنگی درساحه بامیان همآهنگ میسازد. افغانستان بطور کم نظیر با مفهوم جدید جهانگردی آشنا میباشد. سال گذشته سازمان همکاری های منطقه ای جنوب آسیا (سارک) معرفی بامیان را به عنوان پایتخت فرهنگی سارک مناسب دانست و قرار برنامه این سازمان مراسم جهانیگردی در بامیان برگزار شد. معرفی بامیان از اهمیت ویژه برخوردار بود. حالا این ولایت در محراق هم بخش های جنوبی کشور تا نآرامی رنج میبرد، ولایت بامیان از امنیت سراسری برخوردار میباشد. این منطقه قبلاً توجه جهانگردان را بخصود جلب نموده است- جهانیگردی در بامیان افغانستان بطورکم نظیر با مفهوم امروزی جهانگردی آشنایی دارد. گذشته از دو دوره کوتاه اشغال نظامی این کشور توسط بریتانیا در قرن نژدهم، سرحدات افغانستان بصورت زیاد به روی خارجی ها تا سال های ۱۹۵۰ مسدود باقی ماند. طی سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ زمانیکه جوانات بامیان از امریکایی و امریکایی از طریق راه های خشکی از استانبول به کتندو عبور نمودند، یک گشایش مختصری صورت گرفت- اما بعداً در سال ۱۹۷۸ کودتای ثور توسط جناح چپ وقوع پیوست و به تعقیب آن سال بعد تهاجم اتحادشوری صورت گرفت. دو دهه سپری شد تا افغانها بتوانند مجدداً برای تأمین صلح در کشور شان امیدوار گردند. با موجودیت مجسمه های بزرگ بودا، و دریاچه های پند امیر در بامیان، این منطقه برای آن جهانگردان اولی از جذابیت زیادی برخوردار بود. حالا این ولایت در محراق پلانگذاری برای احیای صنعت جهانگردی در افغانستان قرار دارد. در حالیکه هنوز هم بخش های جنوبی کشور تا نآرامی رنج میبرد، ولایت بامیان از امنیت سراسری برخوردار میباشد. این منطقه قبلاً توجه جهانگردان را بخصود جلب نموده است- جهانیگردی در بامیان افغانستان بطورکم نظیر با مفهوم امروزی جهانگردی آشنایی دارد. گذشته از دو دوره کوتاه اشغال نظامی این کشور توسط بریتانیا در قرن نژدهم، سرحدات افغانستان بصورت زیاد به روی خارجی ها تا سال های ۱۹۵۰ مسدود باقی ماند. طی سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ زمانیکه جوانات بامیان از امریکایی و امریکایی از طریق راه های خشکی از استانبول به کتندو عبور نمودند، یک گشایش مختصری صورت گرفت- اما بعداً در سال ۱۹۷۸ کودتای ثور توسط جناح چپ وقوع پیوست و به تعقیب آن سال بعد تهاجم اتحادشوری صورت گرفت. دو دهه سپری شد تا افغانها بتوانند مجدداً برای تأمین صلح در کشور شان امیدوار گردند.

# پیشروی داعش در پالمیرا: آنچه جهان از دست می دهد

میشائیل زومر ترجمه: فرهاد سلطانیان

بین‌النهرین عقب‌نشینی کرد. نزدیک به یک سده پس از این رویداد، در سال ۱۹۶ میلادی سسیطیموس سزوروس (۱۹۲-۲۱۱م.ق) دیگر امپراتور رومی شکست مشابهی را تجربه کرد. بنا بر آن چه در روایت‌های کاسیوس دیو می‌توان خواند، در فاصله آن سال‌ها هن‌را با پرستشگاه خداوند خورشید، به محدودده رودهای دجله و فرات جابه‌جا می‌شدند. در مقابل حاکمان و عشایر محلی نیز ساکنان هن‌را را خویشاوندان قبیله‌های خود می‌دیدند، و به عنوان «عرب» یا صحرانشینان با آن‌ها احساس همبستگی متقابل داشتند. با وجود این، هر گاه نیز اختلافی پیش می‌آمد، برای رفع تنش‌ها ذخیره وسیعی از مراجع



قانونی و شرعی آماده وساطت بودند. هن‌را و حاکمان آن شهر، مردان قدرتمندی با نام‌هایی چون ولگاش (بلاش)، سنطروق یا عبد سمیا که مجسمه‌های‌شان تا چندی پیش در موزیم موصل نگهداری می‌شد، سهم بسیاری در برقراری ثبات در منطقه شمال بین‌النهرین و مرزهای بی‌ثبات و شکننده آن داشتند و این وضع به سود هر دو امپراتوری پارت (اشکانیان) و روم بود. این حال، در سال ۲۲۶ میلادی هنگامی که سلسله پارتی اشکانیان فروپاشید و قدرت آن به ساسانیان ایران رسید، شاهان هن‌را تغییر موضع دادند و به رومی‌ها پیوستند. شاهان کم‌قدرت محلی تحت کنترل حکومت مرکزی اغلب وفادار از کار درمی‌آمدند و کار طاقت‌فرسای قدرت مرکزی را برای کنترل آن دسته از عشایر قبیله‌ای آسان می‌کردند که در

چشم می‌خورد که گنبد‌های عظیمی سقف آن‌ها را تشکیل می‌دهند و تزیین‌کاری‌های شگرفی آن‌ها را روشناده که هر یک زمانی زیر ضربه مغارها (و ابزارهای) تیش‌پردازان شرقی شکل گرفته‌اند.» خیابان‌های تودرتو با خانه‌های شست‌ساخت تصویری از محله‌های بزرگ آن شهر به دست می‌دهند. اما در مرکز شهر مجموعه مذهبی عظیمی سربرمی‌آورده که نزدیک به ۵۰۰ متر طول و همچنین عرضی به همین اندازه داشته و در دیوارهای دربرگیرنده‌اش دست‌کم هفت مکان مقدس جا داشته‌اند. در معماری این شهر باستانی با ستون‌ها و قوس‌ها و عناصر تزییناتی، معماران قرن دوم میلادی مجموعه منحصربه‌فردی پدید آورده‌اند که در خلاق‌ترین شکل، عناصر معماری یونانی-رومی، ایرانی و بومی‌شان را به سبکی کاملاً نوین در آن زمان تبدیل کرد، پیوندی که در نوع خود می‌توان آن را تنها در همین مکان، در حاشیه مرزی گسترده میان امپراتوری‌های رومیان در غرب و پارت‌ها در شرق یافت. با این توصیف، یک سکونتگاه «آشوری» نبود، بلکه شهری بود با ویژگی بارز محلی و منطقه تماس مضاعف دو امپراتوری بزرگ.

منطقه جزیره (الجزیره در قدیم) تا قرن نخست میلادی سرزمین عشایر بود. آن‌ها نه عشایر شتردار از نوع بدوی که مسافت‌های طولانی را کوچ می‌کردند، بلکه چوپان‌ها و خرده‌امداری بودند که با تغییر فصل‌های سال سددام به مراتب یکسانی می‌رفتند. هن‌را ممکن است در آغاز شکل‌گیری‌اش کم و بیش اقامتگاه ثابت همین چوپان‌های کوچ‌نشین بوده باشد. در آغاز قرن دوم میلادی هنگامی که هن‌را برای نخستین بار در افق تاریخ طلوع کرد، بنا بر شهادت کاسیوس کاسیوس دیو(۱۵۵-۲۲۵ م)، مورخ و راوی رومی، «نه شهری بزرگ بود، نه ثروتمند.» در سال ۱۱۷ میلادی تریان، امپراتور روم، شهر را محاصره کرد. دژنشینان هن‌را سزار روم را که در بابل جنگی را پیش می‌برد، تهدید می‌کردند خطوط انتقال آذوقه برای او را قطع می‌کنند. سرداران رومی نیز که با وجود گرمای طاقت‌فرسا بارها و بارها به حصارهای هن‌را حمله بردند، رنج‌های بسیاری کشیدند، اما موفق به فتح آن نشدند؛ به این ترتیب، تریان سرانجام مجبور شد به محاصره شهر پایان بدهد و جانشین او هادریانوس نیز یکسره از منطقه

مادرشهری ثروتمند تبدیل شده بود. به این ترتیب بود که استقامت ساکنان آن و خشونت طبیعت آن سرزمین بار دیگر باعث شکست یک امپراتور روم شد. حاکمان هن‌را به پارت‌ها، امپراتوری رقیب خود وفادار بودند. پادشاهان پارت سخاوتمندانه به هن‌را اجازه خودمختاری داده بودند. در بحبوحه پیچیده روابط میان حکومت‌ها و اقوام در صحرها و مناطق نیمه‌خشک آن زمان، اعمال حاکمیت هنگامی به بهترین نحو ممکن می‌شد که غیرمستقیم صورت می‌گرفت و سمت و اعتبار قدرتمندان و حاکمان محلی را برقرار باقی می‌گذاشت. شاهان کم‌قدرت محلی تحت کنترل حکومت مرکزی اغلب وفادار از کار درمی‌آمدند و کار طاقت‌فرسای قدرت مرکزی را برای کنترل آن دسته از عشایر قبیله‌ای آسان می‌کردند که در

هن‌را: زیارتگاهی در کوریر در میانه منطقه موسوم به «جزیره» در شمال عراق [منطقه‌های مشابه «جزیره» واقع در حد فاصل بخش میانی فرات و دجله ویرانه‌ای از دوران باستان با قدرت جاذبه‌ای کم‌نظیر به چشم می‌خورد. در حلقه دیواری تقریباً دایره‌وار که شهری کوریری را محصور کرده، شرق و غرب در ترکیبی به یکدیگر می‌رسند که شکوه آن می‌توانسته بازدیدکنندگان رومی یا آتنی دوران باستان را شگفت‌زده کند، همان‌طور که باستان‌شناسان عصر جدید را از زمان کشف هن‌را در حدود سال ۱۹۰۰ به‌تازده کرده است. در سال ۱۹۱۱ گرگورد بل، خاورگرد و باستان‌شناس بریتانیایی در یادداشتی در مورد هن‌را نوشت: «در ویرانه‌های هن‌را سال‌ها سنگی بسیار بزرگی به

### کارتون روز



بامیقم آرزوست!



روزنامه‌افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتورست: خالق علی زاده  
دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی  
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی  
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان  
The Daily Afghanistan  
Outlook  
AFGHANISTAN  
The Leading Independent Magazine